



مصاحبه نشریه حبل المتین با

ماموستا حاج ملا قادر قادری

امام جمعه پاوه



حبل المتین: لطفاً سوابق علمی و پژوهشی خود را بیان کنید.

✿ با سلام و احترام به دست‌اندرکاران محترم مجله حبل المتین و خوانندگان عزیز، بنده قادر قادری متولد ۱۳۳۲ شمسی از روستای نوریاب حومه پاوه هستم. در سال ۱۳۳۸ به مدرسه رفتم تا سال ۱۳۴۳ ششم ابتدایی را تمام کرده و در دی‌ماه سال ۱۳۴۳ به دلیل بالا بودن سنم - بر اساس شناسنامه قدیمی که داشتم - از مدرسه اخراج شدم و با راهنمایی مادرم و با توکل به خداوند متعال وارد مدرسه علوم دینی شهرستان پاوه شدم.

سپس به جهت تکمیل دروس خود به سایر مناطق کردنشین در ایران و عراق رفتم، قریب ۱۲ سال مشغول فراگیری علوم دینی بودم و در مهرماه سال ۱۳۵۵ حسب عرف و عادات طلاب و روش علمای بزرگوار و سنت مدارس علوم دینی در مناطق کردنشین اهل سنت، تحصیلاتم را در شهر بانه تمام و معمّم شدم و اجازه ارشاد و تدریس را دریافت کردم.

با شروع انقلاب اسلامی به رهبری بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به همراه جمعی از همفکران خود در صف اول حرکات ضد نظام طاغوت قرار گرفتیم و خداوند توفیق داد با حکمت رهبری، نهضت را در منطقه ادامه و اداره کردیم.

در حالی که حدود ۲۸ سال داشتم با حکم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مسئولیت اقامه نماز جمعه را در شهر پاوه عهده‌دار شدم و با وجود مشغله کاری فراوان، همواره اهتمام خاصی به تدریس داشتم و با همفکری جمعی از دوستان روحانی، مدرسه علوم دینی امام محمد غزالی را در پاوه تأسیس کرده و به تربیت طلاب مشغول شدیم؛ و با احداث مسجد قباء در حدود ۲۳ سال پیش در یکی از محلات شهر پاوه و فعال کردن حجره‌ای برای تربیت طلبه، همواره به آموزش طلاب توجه خاص داشته و در این مدت ده‌ها طلبه مخلص و معتدل را به سرمنزل رسانده و با معمّم کردن آن‌ها جهت ارشاد جامعه روانه اجتماع کرده‌ایم.

ایراد بیش از ۱۸۰۰ خطبه نماز جمعه و چندین هزار سخنرانی در محافل و مناسبت‌های مختلف در داخل و خارج کشور و حضور در همایش‌های متعدد علمی و پژوهشی و ده‌ها نوشته در نشریات مختلف، بخش دیگری از فعالیت‌های حقیر بوده است.

از سال ۱۳۸۴ نیز با دایر کردن کلاس‌های منسجم و منظم در راستای آشنایی با قرآن کریم، درس تفسیر قرآن کریم و تدریس مطالب مفیدی از تاریخ و عقاید اسلامی برای متدینین به‌خصوص نسل جوان از برادران و خواهران شهر پاوه در صدر برنامه‌های علمی، پژوهشی اینجانب بوده که شب‌های سه‌شنبه هر هفته ارائه می‌گردند و اکنون صدها صفحه تفسیر آیات الهی به زبانی ساده و شیوه‌ای نوین و هم‌چنین صدها صفحه تاریخ، اخلاق و عقاید اسلامی به‌صورت مکتوب و مدون آماده چاپ دارم.

در سال ۱۳۹۳ نیز با عنایت برادران بزرگوار شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور، توانستم با دفاع از پایان‌نامه‌ام با عنوان «زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تکوین امپراتوری عثمانی» مدرک سطح سه را دریافت نمایم؛ و فعلاً در کنار اقامه نماز جمعه مسئول شعبه کیفری ۲ محاکمه دادگستری پاوه هستم.

حبل‌المتین: تاریخچه‌ای از حوزه‌های علمیه اهل سنت را در طول تاریخ اسلامی بیان



و مقایسه کمی و کیفی حوزه‌های علمیه اهل سنت ایران امروز را با گذشته بیان کنید.

﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾: شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی میدان جهاد راهی شوند چرا از هر گروهی از آنان جمعی راهی جهاد نمی‌شوند و جمعی دیگر در شهر مدینه بمانند تا در دین و احکام اسلامی آگاهی یابند و زمان بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را تذکر و یادآوری نمایند به این امید بیدار شوند و از خداوند بترسند و از عصیان و گناه فاصله بگیرند». (توبه: ۱۲۲) فوراً مؤمنین به دو دسته تقسیم شدند و در بین مسلمین جهاد دو بخش گردید:

- جهاد با جهل و بی‌سوادی؛

- و جهاد با کفار.

سپس پیامبر عزیز ما حضرت خاتم^(ص) بعد از نزول آیه مذکور، مسجد خود را به مدرسه تعلیم و تربیت تبدیل کرد و در کنار اقامه نمازهای یومیه و خطابه جمعه و تصمیمات صلح و جنگ، درس دانش و حکمت و چگونه زیستن را به یاران خود تعلیم داد و فارغ‌التحصیلان مدرسه رسول خدا^(ص) و شاگردان مسجدالنبی فرماندهان و رهبران جامعه و ائمه فقه و مبلغ دین شدند و پیام اسلام عزیز را به شرق و غرب و شمال و جنوب حجاز رساندند. بعد از رحلت رسول الله^(ص) و ورود اسلام به دیگر ممالک عربی و عجمی، بزرگان دین و علمای اسلام و ادار شدند در کنار ساخت هر مسجدی مدرسه‌ای هم بسازند تا همواره گروهی به‌عنوان طالب علم در آن مدارس تلمذ نمایند و پاسدار فقه و منبر و مسجد و مبلغ و مرشد و پیام‌رسان دین شوند.

در عصر اموی تغییراتی در مدارس اهل سنت حاصل شد و در عصر عباسی مساجد معروف آن زمان چون مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی، مسجد جامع اموی در دمشق، جامع زیتونیه در آفریقا، جامع قرطبه در اسپانیا، جامع الازهر در مصر و دهها مسجد دیگر هر یک به دانشگاهی تبدیل شده و محراب آن‌ها مکان دعوت و حجره‌های آن‌ها محل تدریس و تعلیم شدند و آشکارا تحولات ملموسی در بین جوامع مسلمان فراهم گردید و ملت مسلمان عملاً در مساجد و حجره‌های کنار آن‌ها شاهد رشد تعلیم و تربیت و تدریس علوم مختلف شدند.

سپس مدارس منظم و با سبک جدید در خارج مساجد در اکثر شهرها تأسیس و دایر گردید؛ مانند مدرسه معروف سعیدیه در نیشابور، نظامیه در بغداد و صاریه در شام و اضافه بر این‌ها، مدارس دیگری در حجاز و مغرب و تونس به سبک جدید دایر شدند. در آن عصر، عرب‌ها بیشتر مشغول حکومت‌داری بودند و علم و دانش و مدارس بیشتر در دست مسلمانان

غیر عرب قرار گرفت و بیشترین افراد شرکت‌کننده در مدارس علوم دینی عصر اموی و به‌خصوص عصر عباسی، نسل جوان غیر عرب بودند و عرب‌ها بیشتر به کار دولت و سیاست مشغول بودند.

ابن خلدون جامعه‌شناس معروف می‌گوید: «انَّ حَمَلَهُ الْعِلْمِ فِي الْإِسْلَامِ أَكْثَرُهُمْ مِنَ الْعَجَمِ: بیشترین حاملان علم و دانش از عجم‌ها بودند».

هزینه این مدارس و طلاب را دولت‌ها تأمین می‌کردند و عملاً مسلمانان عرب و عجم هر دو در نشر دانش و پاسداری از علم و دین نقش مؤثری داشتند.



در مدارس کنار مساجد و در مساجد شهرها و قصبه‌ها علوم اسلامی و آنچه به نفع دین و دنیای مسلمانان بود تدریس و تعلیم می‌شد؛ مانند علم قرائت و تفسیر و حدیث و فقه و کلام و نحو و طب و صرف و ادبیات و لغت و ترجمه و غیره و در قرن سوم دوران پراکندگی مدارس علوم دینی تا حدی خاتمه یافت و به جای مدارس متفرقه، مدارس خاصی چون مدرسه الازهر در مصر و نظامیه در بغداد و نیشابور و بصره جایگزین مدارس متفرقه شدند و در این مدارس بزرگانی در علوم مختلف مشغول تعلیم و تدریس شدند. رونق علوم مختلف، دنیای اسلام را بیدار و شعاع آن به اطراف و اکناف ممالک اسلامی حتی غیر اسلامی رسید.



با تحولات در اوضاع مسلمانان که اکثر آن در نتیجه حمله‌های ناجوانمردانه دشمنان اسلام بود، مانند مغول و تاتار و صلیبی‌ها و غیره، مسلمانان دچار تفرقه شدید شدند و مدارس و حوزه‌های منظم، به حوزه‌های کوچک و متفرق تغییر یافت؛ و این بار مسئولیت مدارس دینی در هر منطقه و دیاری تحت نظر افراد خاصی قرار گرفت. برای نمونه در مناطق کردنشین اهل سنت ایران، عراق و ترکیه و قسمتی از مناطق کردنشین سوریه حوزه‌های علمیه اهل سنت تحت نظر حکومت‌های محلی چون حاکمان ایوبی و بابانی‌ها و اردلانی‌ها و حکام سابلاغ و مکوریان و بانه و مریوان و در قسمتی از عراق زیر نظر حاکمان جاف و مشایخ نقشبندی و قادری قرار گرفتند و توسط این خاندان‌ها اداره می‌شدند و در اکثر روستاها و قصبات و شهرهای مناطق کردنشین، بزرگانی از علماء به‌عنوان مدرس انتخاب و در سایه جهد این بزرگان در مدارس و حجره‌ها کنار مساجد هزاران عالم و عارف و فقیه و شاعر و مورخ و مفسر و محدث فارغ‌التحصیل شدند و به قوم و ملت خود خدمت کردند. با عنایت به این امر، به نظر می‌رسد طلاب حوزه‌های اهل سنت به‌صورت ثابت و متمرکز تحصیلات خود را ادامه نداده‌اند و برای کسب دانش، همواره در هجرت و آمد و رفت بین شهرها و قصبات و گذر از مرز دولت‌ها بوده‌اند. هر طلبه مدارس علوم دینی ایرانی یا عراقی تا منطقه کردنشین سوریه و ترکیه به جهت تکمیل درس‌های خود به شهرها و مناطق مختلف سفر می‌کردند و هر علمی را نزد استاد متخصص همان علم تحصیل می‌نمودند، مثلاً یک طلبه اهل سنت پاوه‌ای برای یادگیری درس اصول فقه از پاوه به شهرهایی مانند سنندج، اشنویه و مه‌آباد و بعضاً برای تکمیل دروس فقه خود از مه‌آباد به اربیل و سلیمانیه سفر و هجرت می‌کردند.

این هجرت‌ها و آمد و رفت‌ها علی‌رغم تحمل سختی‌های سفر، موجب شده بود در مدارس و حوزه‌های اهل سنت منطقه کردنشین رشد علمی - به نسبت جمعیت و دوری منطقه آن‌ها از مراکز علم و دانش - خود را به مقصد مبارکی برسانند و امروز از سلف و بزرگان ما آثاری در تفسیر و علوم حدیث و تاریخ فقه و ادبیات فارسی و عربی و غیره بجای مانده است که توان مقابله با آثار فقهاء و بزرگان سایر اقوام و ممالک اسلامی را دارد.

برای نمونه: در علم تفسیر، علامه احمد فرزند اسماعیل گورانی کوردی مفتی دیار عثمانی صاحب تفسیر مشهور «غایه الامانی» در فقه، ملا ابوبکر معروف به مصنف جوری مریوانی صاحب کتاب معروف «وضوح» در فقه مذهب شافعی، در ادبیات عرب، ابن الحاج کوردی صاحب کتاب‌های «کافی و شافی» در تاریخ، شیخ جذری صاحب کتاب «تاریخ الکامل» و کتاب «اسد الغابه فی تاریخ صحابه» و ابن خلکان صاحب کتاب «تاریخ و فیات الاعیان» در اصول عقاید، شیخ عبدالقادر مهاجر سنندجی، صاحب کتاب «تذهیب الکلام»

در شعر، احمد شوقی و سید عبدالرحمن مولوی کرد در علم عرفان، عدی بن مسافر حکاری و مولانا خالد شهرزوری، در علم حدیث ابن صلاح شهرزوری و ده‌ها و بلکه صدها افراد معروف دیگر که همگی از فارغ‌التحصیلان حجره‌های کنار مساجد مناطق کردنشین بوده‌اند و صدها بلکه هزاران آثار از این بزرگان برجای مانده است که اگر در ردیف بزرگان فارس و عرب نباشند کمتر از آن‌ها نیستند.

مطلب دیگری که قابل ذکر است، این است که در دهه چهل تا حدود دهه شصت شمسی وضع مدارس علوم دینی و حوزه‌های اهل سنت منطقه غرب کشور به صورت پراکنده در شهرها و روستاهای سه استان کرمانشاه، کردستان و آذربایجان دایر و طلبه‌ها مشغول تحصیل و تلمذ بودند و هزینه مدرسین و طلاب به عهده مردم متدین مناطق کردنشین بود و طلبه‌ها حدود ۱۲ سال تحصیل می‌کردند و علوم مختلف را نزد علمای منطقه فرامی‌گرفتند و بعد از اتمام دروس متداول، حسب عرف محل در خدمت علمای مشهور و معروف منطقه کردنشین طی یک مراسم خاصی معمم می‌شدند و هریک در مسجد و محله‌ای مشغول به ارشاد و تبلیغ و بعضاً تدریس می‌شدند.

در این خصوص، به صورت خلاصه به ایام تحصیلات خود اشاره می‌کنم: در سال ۱۳۴۳ دروس ابتدایی نحو و صرف را در یکی از روستاهای پاوه شروع و مدت ۵ سال در کردستان عراق و حدود ۷ سال در شهرهای پاوه، سنندج و مریوان و در نهایت بانه تحصیل کردم و مهرماه سال ۱۳۵۵ حسب عرف مناطق کردنشین در مسجد جامع بانه طی مراسم خاصی نزد استاد شهید حاج ماموستا ملا محمود محمدی، مجاز و معمم و راهی روستای مسقط الرأس خود شدم و به‌عنوان پیش‌نماز و امام جمعه روستای نوریاب (حومه پاوه) مشغول شدم و سپس با تأسیس یک مدرسه دینی با ۵ طلبه کار خود را شروع کردم و این روال هنوز با یک مقدار تغییر در مناطق کردنشین ادامه دارد.

حبل‌المتین: ارتباط حوزه‌های علمیه اهل سنت و تشیع را در طول تاریخ مقایسه و پیرامون راه‌های ارتباط حوزه‌های علمیه تشیع و تسنن ارائه طریق فرمایید.

در گذشته، ارتباط علمی شیعه و سنی صمیمی بوده در مدارس همدیگر درس خوانده و کتاب‌های همدیگر را تعلیم داده‌اند و آثار همدیگر را شرح و تفسیر و حاشیه کرده‌اند. به چند نمونه اشاره می‌کنم:

- ۱- کتاب عبدالله یزدی در علم منطق، متن آن تهذیب المنطق توسط مسعود بن عمر بن عبدالله تفتازانی اهل سنت تألیف شده و از سوی ملا عبدالله یزدی اهل تشیع شرح شده است.
- ۲- الفیه ابن مالک را شیخ جلال‌الدین سیوطی اهل سنت شرح و سپس با دقت کامل از



سوی میرزا ابوطالب اصفهانی بر آن حاشیه نوشته شده است.
۳- کتاب النموذج را محمود بن عمر زمخشری سنی مذهب تألیف و ملا عبدالغنی اردبیلی شیعی مذهب به صورت مفصل آن را شرح کرده است.
این بزرگان به یکدیگر احترام گذاشته‌اند و با احترام آثار یکدیگر را ملاحظه و نسبت به یکدیگر نهایت ادب را رعایت و اختلافات عقیدتی و فقهی و علمی و استنباط فقهاء را وسیله جنگ و نزاع فریقین قرار نداده‌اند.

حبل‌المتین: در زمینه سؤالات فوق مدارس علمیه کرمانشاه را بررسی کنید.

❁ جمعیت اهل سنت، از مجموع جمعیت ۲ میلیونی استان کرمانشاه در محدوده ۴/۱ است. این جمعیت که در مرکز استان و ۷ شهرستان کرمانشاه زندگی می‌کنند دارای ۴۵۰ باب مسجد و ۴۰۰ نفر روحانی هستند که به امر تبلیغ و ارشاد مشغول بوده و ۲۳ مدرسه به سبک سنتی دارند که در آن‌ها حدود ۲۸۰ طلبه مرد و ۱۲۰ طلبه زن مشغول فراگیری علوم دینی هستند.

از این مدارس، ۱۰ مدرسه تحت نظر دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت هستند و دفتر نماینده محترم ولی فقیه در استان کرمانشاه بر روند کار آن‌ها نظارت دارد. بقیه مدارس آزادند و با دفتر نماینده ولی فقیه در امور اهل سنت رابطه غیررسمی دارند. از نظر کمی، شاهد تعالی و ترقی هستیم اما از نظر کیفی زیاد امیدواری را شاهد نیستیم. اوضاع دنیا و خطرات تندروی در دنیای اسلام به خصوص مناطق اهل سنت می‌طلبد در درس و کتاب‌های درسی و مدرسین مدارس و زندگی رفاهی مدرسین و طلاب تجدید نظر شود. مسئولیت اولیه این امر در مرحله اول به عهده علمای اهل سنت است.

حبل‌المتین: ارتباط حوزه‌های علمیه کرمانشاه با دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

❁ در محدوده ۴ شهرستان اورامانات - در حد آگاهی اینجانب - ارتباط، یا اصلاً نیست و یا خیلی ضعیف است و در این مسئله هر دو قصور داریم.

حبل‌المتین: شرایط یک حوزه علمیه مترقی و یک عالم اهل سنت از نظر شما چگونه

است؟

❁ از نظر کمی مدارس و حوزه‌های اهل سنت غرب کشور (مناطق سنی‌نشین شافعی مذهب) خیلی خوب ترقی کرده است. برای نمونه ما قبل از انقلاب در کل اورامانات فقط ۱۰ مدرسه علوم دینی داشتیم و در حدود ۷۰ طلبه و امروز تعداد مدارس ما در مناطق اهل سنت

کرمانشاه به چندین برابر رسیده و از نظر کمی خیلی رشد کرده است؛ اما از نظر کیفی با توجه به اوضاع دنیا بدون تردید وضعیت کیفی مدارس ما رضایت‌بخش نیست و با این شیوه فعلی هیچ یک از مدارس سنتی و مدارس تحت نظر دبیرخانه نمی‌توانند جوابگوی اوضاع فعلی باشند.

حبل‌المتین: نقش دبیرخانه را در ۵ سال گذشته در راستای خدمت و ارتقای حوزه‌های علمیه چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟



✽ حسب اطلاع اینجانب از حیث آیین‌نامه و زحمات شبانه‌روزی دوستان شورای برنامه‌ریزی، به نسبت گذشته قابل مقایسه نیست. لیکن دو مشکل و مانع در جلوی راه ماست:

- ۱- مدارس منطقه اکثراً زیر نظر دبیرخانه نیستند و با همان روش ۵۰ سال قبل، طلبه‌ها مشغول تحصیل‌اند و اکثراً بی‌ارتباط با دنیای خارج‌اند. واقعیت این است که کتب درسی و دروس متداول مورد استفاده نمی‌تواند جوابگوی عصر کنونی باشند.
- ۲- مدارس که زیر نظر دبیرخانه هستند نیز همچنان که در سؤال قبل اشاره شد از



حیث کمی ترقی کرده ولی از نظر کیفی اوضاع رضایت‌بخش نیستند و ۹۸ درصد طلاب این بخش از مدارس علوم دینی دل‌سرد هستند و قصد انتخاب لباس روحانیت و خدمت در محراب و مسجد را ندارند. علت برمی‌گردد به آیین‌نامه درسی و ضعف برنامه و نحوه اداره مدارس و نحوه فعالیت مدرسین که اکثراً به قصد تأمین زندگی مشغول تدریس‌اند و از نظر این دوستان پرورش و ساخت فکری طلبه و فقیه و مدرس و خطیب در حاشیه قرار دارد.

حبل‌المتین: بایسته‌های آموزشی و پژوهشی مدارس علوم دینی کرمانشاه و انتظارات خود را از دبیرخانه بیان بفرمایید.

✽ بر کسی پوشیده نیست ما در هزاره سوم میلادی هستیم؛ عصر ما به عصر انقلاب و انفجار علم و دانش و صنعت مشهور است. اضافه بر این عصر ما یعنی عصر شبیخون به عقیده و باور و عصر تجاوز به حریم خانواده‌ها و عصر بحران اخلاقی که نتیجه آن، این همه تفرقه و جدایی در دنیای اسلام است.

به نظر حقیر بر علمای بزرگوار ما و اعزّه اهل سنت، حرکت بی‌وقفه در کنار کاروان علم و دانش روز بسیار اهمیت دارد و باید خود را به جهت مقابله با هجمه دشمنان دین و انسانیت آماده کنیم؛ و نباید غافل باشیم، بدون تردید مدارس ما در این دو میدان خیلی در حاشیه قرار گرفته‌اند و می‌طلبند در هر دو سنگر، طلاب را مسلح کنیم به ایمان و علم و اخلاق تا از همراهی با کاروان پیشرفت و ترقی عقب نمانیم و با بصیرت و هوشیاری و بیداری بیشتری به حیات خود ادامه دهیم و به گفته یکی از بزرگان «حیات، حرکت بدون توقف است» و انتظار ما از دبیرخانه محترم فراهم نمودن وسیله حرکت در این مسیر حرکت است.

حبل‌المتین: آیا مجله حبل‌المتین به صورت مرتب به دست حضرت‌عالی می‌رسد؟ مطالب آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

✽ به صورت موردی مجله حبل‌المتین را ملاحظه کرده‌ام. در آن مطالب تخصصی بسیار ارزشمندی دیده‌ام و در یکی دو شماره‌ای از نشریه که ملاحظه کرده‌ام از محتوای بسیار بالایی برخوردار است. پیشنهادم این است در آینده تلاش شود آثار منتشره در این مجله وزین دارای استدلال علمی و فقهی برتری باشد تا به‌عنوان چراغ راه و رهنمون و هادی مسیر باشد و مورد استفاده طلاب و روحانیون عزیز قرار گیرد.

حبل‌المتین: از همراهی جنابعالی سپاسگزاریم.